کلام علامه طباطبایی در رابطه فرد و اجتماع

علامه طباطبایی در جلد چهارم المیزان صفحه ۹۶، ذیل آیه شریفه «يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصۡبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ»[1] می‌فرمایند:

> **اعتبار الإسلام رابطة الفرد والمجتمع : الصنع والإيجاد يجعل أولا أجزاء ابتدائية لها آثار وخواص ثم يركبها ويؤلف بينها على ما فيها من جهات البينونة فيستفيد منها فوائد جديدة مضافة إلى ما للأجزاء من الفوائد المشهودة فالإنسان مثلا له أجزاء وأبعاض وأعضاء وقوى لها فوائد متفرقة مادية وروحية ربما ائتلفت فقويت وعظمت كثقل كل واحد من الأجزاء وثقل المجموع والتمكن والانصراف من جهة إلى جهة وغير ذلك ، و ربما لم تأتلف وبقيت على حال التباين والتفرق كالسمع والبصر والذوق والإرادة والحركة إلا أنها جميعا من جهة الوحدة في التركيب تحت سيطرة... هذه الرابطة الحقيقية بين الشخص والمجتمع لا محالة تؤدي إلى كينونة أخرى في المجتمع حسب ما يمده الأشخاص من وجوده وقواه وخواصه وآثاره فيتكون في المجتمع سنخ ما للفرد من الوجود وخواص الوجود وهو ظاهر مشهود**
>
> **[2]**

«اعتبار الإسلام رابطة الفرد والمجتمع»؛ جالب است که دو جور مثال می‌زنند. اسمی از غموض و انواع غموض را نبرده‌اند، ولی دو جور مثال می‌زنند. **«فالإنسان مثلا له أجزاء وأبعاض...»**؛ دو جور ائتلاف است.

«ربما ائتلفت فقويت...»؛ مثل وزنش، که اجزائش همه یک وزنی دارند و جمع که شد، می‌شود هشتاد کیلو، شصت کیلو.

«وربما لم تأتلف»؛ سر و دست و پا و قوه سامعه که مثل وزن نیست که ریاضیاتی با هم جمع شوند؛ اینها ارگانیک هستند، یعنی با هم شروع به تعاون می‌کنند. **«وبقيت على حال التباين والتفرق»**؛ یعنی وقتی جمع می‌کنیم سر، هنوز سر است و اینطور نیست که چیزی داشته باشد تا وقتی با دست جمع می‌زنیم دیگر سر نباشد. بله، وزن سر با وزن دست جمع می‌شود، اما نقش سر با نقش دست با هم جمع نمی‌شوند.

در صفحه بعدی می‌فرمایند: **«وهذه الرابطة الحقيقية بين الشخص والمجتمع لا محالة تؤدي إلى كينونة أخرى في المجتمع»**؛ این عبارت ایشان یک بحث پنجاه ساله است. مرحوم آقای مطهری ادامه دادند و گفتند پس اصالت، نه با اجتماع است و نه با فرد است، بلکه با ره

دو است. آقای طباطبایی صریحاً فرمودهاند - فیلسوف حرف میزند؛ اعتباری حرف نمیزند - **«فيتكون في المجتمع سنخ ما للفرد من الوجود وخواص الوجود»**؛ میگویند زید یک چیز است، اما وقتی در جامعه هست، باالدقة الفلسفیة یک وجود دیگری پیدا میآید؛ وجود فلسفی. لذا کسانی که خیلی منافقشه کردهاند و برخی از شاگردان ایشان که اصالة الفرد را جا میاندازند، اینها را قبول ندارند؛ مفصل استدالل کردهاند که اصالت جامعه یعنی چه؟! اصالت با فرد است و مردم که جمع میشوند، یک چیز جدیدی پیدا نمیآید. مقاالت مفصلی هم از شاگردان شاگردان در آنها نوشتهاند؛ گفتم در سال ۱۳۹۹، یک مقالهای در در حرف ایشان آمده است. حاال نگاه کنید که ببینیم چه فرمودهاند و آیا در اجتماع چیز جدیدی پیدا میآید یا نمیآید؟ آقای طباطبایی آیات را میآورند و میگویند ببینید قرآن با اجتماع بهعنوان یک واحد شخصی برخورد کرده، آن را خطاب قرار میدهد. **«كُلٌّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا»**[3].

والحمد لله رب العالمين

---

[1] آل عمران 200

[2] الميزان في تفسير القرآن نویسنده : العلامة الطباطبائي جلد : 4 صفحه : 95

[3] الجاثیه ۲۸

بازبینی #2
ایجاد شده 6 ژانویه 2025 12:50:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژانویه 2025 09:55:38 توسط ... .